

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No: B/12

Chamber Two

پرونده شماره ب ۱۲
شعبه دو
حکم شماره ۲ - ب - ۱۲ - ۳۳۶

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date 30 NOV 1987	تاریخ ۱۴۶۶ / ۹ / ۹
No. B12	شماره



شرکت هواپیمایی ملی ایران،
خواهان،

- - -

دولت ایالات متحده امریکا،
خوانده.

کم

: حاضران

از طرف خواهان :

آقای محمد کریم اشرف
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،
دکتر اکبر شیرازی

مشاور حقوقی نماینده رابطه

آقای عبدالجید عقیقی

دستیار نماینده رابطه

آقای محمد رضا عسکری

آقای غفار کاووه

آقای کارابید منصوریان
آقای جلال آل حسین
نماینده‌گان هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران.

از طرف خوانده :
خانم لوسی اف. رید
وکیل مشاور وزارت امور خارجه ایالات متحده.

آقای مایکل اف. رابوین
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

اول - ادعاهای

- ۱ - خواهان، شرکت هواپیمایی ملی ایران ("ایران ایر") در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲ [۲۵] دیماه ۱۳۶۰ [۱۳۶۰] دادخواستی علیه دولت ایالات متحده امریکا ("خوانده") به ثبت رساند. ایران ایر مبلغ ۱۲,۷۷۰/۷۶ دلار امریکا در ارتباط با یازده فقره صورتحساب ایران ایر که حسب ادعا تادیه نشده، به اضافه بیمه متعلقه مطالبه می کند. حسب ادعا صورتحسابهای مزبور بابت بهای بلیط های سفر هوایی مامورین مختلف نیروی دریایی ایالات متحده با ایران ایر در تاریخهای مختلفی بین ماه مه ۱۹۷۴ تا ژانویه ۱۹۸۰ و با استناد فرم درخواست دولت ایالات متحده برای صدور بلیط ("GTR") (۱) که در آنها مسیر و بهای بلیط ها مشخص گردیده، صادر شده است.
- ۲ - جلسه استماع این پرونده و پرونده های شماره ب ۸ و ب ۹، ب ۱۰ و ب ۵۱، تواما" در تاریخ دهم نوامبر ۱۹۸۶ [۱۳۶۵ آبانماه ۱۹] تشکیل گردید.

دوم - صلاحیت

- ۳ - طرفین در این که خواهان یک "سازمان" تشکیلات یا واحد تحت کنترل" دولت جمهوری اسلامی ایران بوده و بنابراین مشمول تعریف "ایران" در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و

(۱) فرم درخواست دولت ایالات متحده برای صدور بلیط ("GTR") فرم رسمی اجازه سفر و تهیه بلیط برای مسافرانی است که به هزینه دولت مزبور سفر می کنند. نسخه اصلی فرم ۱۱۶۹ (به رنگ آبی) به مسافر داده می شود که برای صدور بلیط به نمایندگی شرکت هواپیمایی تسلیم نماید. این نسخه مدرک خدمات مورد نیاز و سند موید شرکت هواپیمایی برای صدور صورتحساب بابت بهای بلیط است. با استفاده از کاغذ کاربن سه نسخه کپیه هم همزمان با نسخه اصلی تهیه می شود. فرم ۱۱۱۳ نیز یک سند دولتی برای هزینه حمل است که نسخه اصلی آن (به رنگ سفید) همراه با یک نسخه کپیه تنظیم می گردد. شرکت هواپیمایی از فرم ۱۱۱۳ برای صدور صورتحساب هزینه حمل استفاده می کند و قسمتی از آن که از نسخه اصلی فرم جدا می گردد همراه با پرداخت [صورتحساب] به شرکت هواپیمایی عوتدت داده می شود.

فصل دعاوی می‌شود، اختلاف نظری ندارند و این امر برای دیوان هم محز است.

۴ - خوانده دولت ایالات متحده امریکا است^(۲) و مسلمان مشمول تعریف "ایالات متحده" در بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی است.

۵ - بنابراین، ادعا طبق بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، یک "ادعای رسمی" بین "ایران" و "ایالات متحده" می‌باشد. لیکن، صلاحیت دیوان نسبت به چنین ادعاهایی محدود به آنهایی است که "از قراردادهای فیما بین [ایران و ایالات متحده] در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات" ناشی می‌شوند. با آنکه طرفین پرونده در خصوص مبنای قراردادی دقیق دعاوی، اختلاف نظر دارند، معهذا دیوان متقادع گردیده که پرواز مسافران به وسیله ایران ایر به حساب ایالات متحده، در حکم "قراردادهای" برای خرید و فروش خدمات، به مفہوم بند ۲ ماده دو [بیانیه حل و فصل دعاوی] می‌باشد. براین اساس، دیوان معتقد است که صلاحیت رسیدگی به این ادعا را دارد.

سوم - دلایل حکم

الف - موضوعات کلی

۱ - شرطیت ترتیبات قراردادی

۶ - دیوان با توجه به استدلالات کلی طرفین ملاحظه می کند که آنها در خصوص قانون

(۲) هرجند ادعا بدوا" علیه نیروی دریایی ایالات متحده اقامه شده بود، ولی چون دولت ایالات متحده پاسخگویی خود به این ادعا را با بیانیه‌های الجزایر سازکارتر می‌دانست، به ادعای مزبور پاسخ گفت. خواهان در لواح بعدی، ادعاهای خود را علیه ایالات متحده متوجه نمود.

حاکم بر موضوعات مورد اختلاف، همغایده نیستند. خوانده اظهار می‌دارد که قوانین ایالات متحده حاکم بر این معاملات است و استدلال می‌کند که صدور بلیط مسافرت هوایی براساس فرم GTR، قراردادی بین واحد مربوطه امریکائی و شرکت هوایپیمایی به وجود می‌آورد که تابع قوانین ایالات متحده است. خواهان شمول قوانین ایالات متحده بر این معاملات را انکار و استدلال می‌کند که تسليم فرم‌های GTR همراه با صورتحسابها توسط وی، نباید تعبیر بر پذیرش حاکمیت قوانین و مقررات ایالات متحده بر اختلافاتی گردد که بعداً "بروز می‌نماید. خواهان مضافاً" استدلال می‌کند که فرم‌های GTR قراردادی بوجود نیاورده، بلکه "صرف" درخواست سفر است، حال آنکه بلیطی که [هوایپیمایی] خواهان صادر می‌کند قرارداد به شمار می‌رود. خواهان در تأیید استدلال خود به مقررات ذیربسط انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی (یاتا) و پیمانهای عدیده‌ای چون پیمان ورشو^(۳) استناد می‌کند که بلیط هوایی را بمنزله قرارداد تلقی می‌کنند. خواهان استدلال می‌نماید که چون بلیط هوایی وی طبق شرایط حمل و نقل ایران ایر صادر شده، بنابراین قوانین ایران حاکم بر اختلافات خواهد بود.

۷ - دیوان، قبل از توجه به این اظهارات، مقدمتاً باید تعیین کند که آیا در اسناد مربوطه، شرایط و مقرراتی وجود دارد که به جای مقررات نظام حقوقی خاصی، ناظر بر موضوع اختلاف حاضر باشد یا خیر. دیوان ملاحظه می‌نماید که GTR صریحاً درخواستی برای انجام خدماتی خاص و پیشنهادی برای پرداخت بابت آن خدمات مشروط به شرایط خاصی است که در آن فرم درج گردیده است. شرکت هوایپیمایی، با صدور بلیط، منطبق با شرایط مندرج در GTR آن شرایط را می‌پذیرد. لیکن، بلیط‌های پرواز شرکت هوایپیمایی نیز حاوی شرایط و مقرراتی دیگر بوده و خود اسناد

(۳) پیمان مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۲۹ [۲۰ مهرماه ۱۳۰۸] برای متحده‌الشکل کردن پاره‌ای قواعد مربوط به حمل و نقل بین‌المللی هوایی.

قراردادی می‌باشد. به مجرد اینکه مسافری که به هزینه دولت امریکا سفر می‌کند از بلیط صادره برای مسافرت درخواست شده استفاده نماید، دولت ایالات متحده شرایط و مقررات مندرج در قرارداد را قبول می‌کند. ارسال بعدی صورتحساب شرکت هوایپیمایی یا فرم ۱۱۱۳، یعنی سند حمل و نقل دولتی که به آن منظور ضمیمه نسخه اصلی GTR می‌شود، همراه با نسخه اصلی GTR و بلیط استفاده شده، صریحاً موید انعقاد قرارداد و موافقت طرفین با شرایط و مقررات مندرج در GTR و بلیط مسافرت است. دیوان فقط در صورت نقص یا ناهماهنگی شرایط و مقررات مذکور است که محتملاً نیازی به بررسی مسئله مربوط به قانون حاکم می‌بیند. لیکن نظر دیوان آنستکه موضوعات مطرح در این پرونده نیازی به چنین تحلیلی نداشته و با مراجعه به رویه معمول طرفین و شرایط ذیربسط قراردادی که از طریق GTR و بلیط مسافرت منعقد گردیده، می‌توان کلیه مسائل را حل کرد.

۲ - مرور زمان

۸ - یکی از استدلالات اساسی خوانده آنستکه مقررات ذیربسط ایالات متحده در مورد مرور زمان یا اعمال مرور زمان مسقط در حقوق بین‌الملل، مطالبه وجه صورتحسابهایی را که قبل از سال ۱۹۷۶ صادر شده‌اند، منع می‌کند.

۹ - پاسخ‌های خواهان به مدافعت مذکور آن است که مقررات ایالات متحده در مورد مرور زمان و اصل مرور زمان مسقط، در اینجا مصدق نمی‌یابند، و خواهان مرتباً صورتحسابهای معوقه را به خوانده یادآوری کرده و بدانوسیله باعث قطع مرور زمانی شده است که در غیراینصورت می‌توانست به عنوان مرور زمان مسقط مبنای مدافعت خوانده قرار گیرد. خواهان رونوشت نامه‌های خود به خوانده را در مورد صورتحسابهای مربوط به این پرونده، به دیوان تسلیم کرده است.

۱۰ - دیوان داوری قبله نظر داده است که قوانین داخلی راجع به مرور زمان لزوماً در مورد دعاوی مطروح در دیوانهای بین‌المللی لازم الرعایه نیست. لیکن در تعیین آثار تأخیر غیرموجه پیگیری این دعاوی در دیوانهای فوق، می‌توان این قبیل مرور زمانها را مدنظر قرار داد. ص ص ۱۵ و ۱۶ [متن انگلیسی] حکم شماره ۷۱-۳۴۶-۳ مورخ دوم سپتامبر ۱۹۸۳ [۱۱ شهریورماه ۱۳۶۲] صادره در پرونده الن کریگ و وزارت نیروی ایران و سایرین و ص ۴۶ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱۴۴-۱۸۰-۳ مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴ [۲۲ تیرماه ۱۳۶۳] صادره در پرونده هارنیشفسگر کوریوریشن و وزارت راه و ترابری و سایرین.

۱۱ - معینه‌ذا، مرور زمان مندرج در قرارداد، قابل اجراست. ص ۱۴ [متن انگلیسی] قرار اعدادی شماره ب ۶۰-۱ مورخ چهارم آوریل ۱۹۸۶ [۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۵] دیوان عمومی، صادره در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا، و ص ص ۸ تا ۱۰ [متن انگلیسی] حکم شماره ۲۵۲-۱۰۰۳۵-۲ مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۶ [۲۱ شهریورماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده کارولینا براس، اینکوریوریتد و شرکت ملی کشتیرانی آریا، شرکت سهامی با مسئولیت محدود و سایرین.

۱۲ - نظربه اینکه دعاوی مطروح در پرونده حاضر مبتنی بر ترتیبات قراردادی است، علیه‌ذا، دیوان باید در درجه اول تعیین نماید که آیا شرایط خاصی در اسناد قرارداد وجود دارد که مانع اقامه احده از این دعاوی گردد یا خیر. دیوان ملاحظه می‌کند که در GTR از مرور زمان در مورد طرح دعاوی، یا از قانون حاکمی که حاوی چنین محدودیتی باشد، ذکری نشده است. دیوان همچنین ملاحظه می‌نماید که بلیط‌هایی که ایران ایر برای مسافران صادر می‌کند، خدمات حمل مسافر را تابع مقررات و محدودیتهایی می‌نماید که در پیمان ورشو، مذکور در فوق، در مورد مسئولیت شرکت هواپیمایی بابت فقدان یا خسارت، برقرار شده است، و آن مقررات ارتباطی به موضوعات مطروح در این پرونده ندارد. در شرایط مندرج در بلیط

همچنین تصريح گردیده که ارائه خدمات تابع (یک) شرایط مقرر در این بليطه (دو) تعرفه‌های قابل انطباق، و (سه) شرایط حمل موسسه حمل کننده و مقررات مربوط به آن است. لیکن، ايران اير جزو لوایح خود نسخه‌ای از شرایط حمل و مقررات مربوط به آن را تسلیم نکرده است.

۱۳ - نظر دیوان براساس مدارک موجود آن است که طرفين راجع به هيچگونه مرور زمان قراردادي که مانع از طرح اين دعاوى گردد، يا قانوني که مصرحاً حاكم بر موضوع مرور زمان باشد، موافقت نکرده‌اند.

۱۴ - در مورد استدلال دیگر خوانده، دیوان متوجه است که مرور زمان مسقط يکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل عمومی است که دیوانهای بین‌المللی آن را اعمال کرده‌اند. I. Brownlie, Principles of Public International Law 505-06 (3d ed. 1979) لیکن باتوجه به ماهیت تجاري معاملات مورد اختلاف در اينجا، دیوان اعمال اصل مرور زمان مسقط را به عنوان يک اصل حقوق بین‌الملل عمومی، مقتضی نمی‌داند. بنابراین، دیوان باید باتوجه به اينکه آيا خواهان خوانده را با تأخير غيرمعقول، از دعاوى خود مطلع ساخته که بدان دليل ملزم نمودن خوانده به پاسخگویی به اينگونه دعاوى کهنه غيرمنصفانه است یا خير، در مورد مسئله مرور زمان تصميم‌گيري نماید. دیوان در اين رابطه توجه دارد که در عرف تجاري يکی از هدفهای محدوديت زمانی آنست که طرفين بتوانند [مثلًا] درصورت عدم بروز اختلاف و انقضای زمان معين، سوابق غيرضروري را دور بريزند. رجوع شود به: بند ۸ كارولينا براس، مذكور در فوق.

۱۵ - دیوان داوری متذکر می گردد که طرفين از تصميم دادگاه دعاوى ایالات متعدده دایر بر اينکه ايران اير می‌توانسته تا شش سال پس از تامين خدمات حمل و نقل، اين قبيل دعاوى را در هر زمان در ایالات متعدده طرح کند، آگاه بوده‌اند. رجوع شود

Iran National Airlines Corp. v. The United States, 360 F.2d 640 به:

(1966) بدینترتیب، با درنظر گرفتن اوضاع و احوال این پرونده، و با توجه به اینکه هیچک از شرایط قرارداد مدت کوتاهتری را قید نکرده، و نیز لازم بود سوابق لائق تا آن مدت نگهداشته شود، تا شش سال تأخیر در طرح ادعا غیرمعقول نیست. اما، توقع اینکه پس از تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ [۱۳۵۹] فروردین ماه ۱۲۵۹، یعنی تاریخ صدور دستور اجرائی شماره ۱۲۲۱۱ که طی آن رئیس جمهوری ایالات متحده اعلام کرد که دستور مجبور منجر به بسته شدن دفاتر ایران ایر در ایالات متحده خواهد گردید، خواهان فرصت واقع‌بینانه‌ای برای طرح ادعا علیه خوانده در دادگاه دعاوی ایالات متحده داشته است، عقلانی نیست. درنتیجه، دیوان در این پرونده تنها مسئله تأخیر نامعقول را در رابطه با صورتحسابهای ارائه شده بابت خدماتی که قبل از تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۷۴ [۱۳۵۳] فروردین ماه ۱۲۵۳] انجام گردیده، بررسی خواهد کرد.^(۴)

۱۶ - هیچک از صورتحسابهای مورد اختلاف در این پرونده، قبل از ۱۷ آوریل ۱۹۷۴ [۱۳۵۳] فروردین ماه ۱۲۵۳] ارائه نشده است. درنتیجه، طرح هیچک از دعاوی این پرونده ممنوع نیست.

۳ - کفایت مدارک

۱۷ - خوانده بعنوان دفاع کلی همچنین استدلال می‌نماید که نسخه‌های اصلی فرم‌های GTR همراه اکثر صورتحسابها نبوده یا بصورت صحیح برای پرداخت ارائه نشده است.

(۴) دیوان متذکر می‌گردد که خدمات مورد بحث قبل از تاریخ صدور هر صورتحساب تامین شده است. لیکن، خوانده در جلسه استماع به اطلاع دیوان رساند که برای سهولت کار نسبت به استفاده از تاریخ صورتحساب بعنوان تاریخ ذیربسط اعتراضی ندارد.

۱۸ - خواهان در پاسخ استدلال می‌نماید که چون قبلاً نسخه‌های اصلی GTR را همراه صورتحساب به منظور پرداخت تسلیم کرده است، اکنون دیگر نمی‌تواند نسخه‌های مزبور را ارائه نماید. خواهان مضافاً استدلال می‌نماید که حتی اگر خوانده نسخه‌های اصلی GTR را هم دریافت نکرده بود، فرصت آنرا داشت که هنگامی که خواهان مبالغ عقب افتاده بدھی بابت صورتحسابها را به سازمان یا سازمانهای مربوطه یادآوری می‌کرد، مسئله عدم دریافت [نسخه‌های اصلی فرم‌های مزبور] را مطرح نماید. طبق اظهار خواهان، پاسخ ندادن خوانده بمنزله تائید تلویحی دریافت نسخه‌های اصلی GTR بصورت صحیح بوده است.

۱۹ - دیوان با استدلال خوانده دایر براینکه خواهان برای اثبات دعاوی خود در این پرونده باید ملزم به ارائه نسخه‌های اصلی GTR باشد و یا روش‌های معمول دولت ایالات متحده در مورد GTR مفقود شده را رعایت نماید، موافق نیست. مقررات پرداخت ایالات متحده ناظر بر موضوع وجود دین نیست و در این پرونده تنها از دیوان خواسته شده که معین نماید آیا دیون معتبر پرداخت نشده‌ای وجود دارد یا خیر. برای آنکه خواهان بتواند اعتبار دعاوی خود را ثابت نماید باید نشان دهد که در رابطه با هر صورتحساب، قراردادی برای حمل هوایی مسافر با خوانده منعقد و خدمات مورد درخواست را تامین کرده است.

۲۰ - خوانده مضافاً مسئولیت خود در رابطه با چندین صورتحساب را به دلیل آنکه در برخی موارد مدارک مثبته کافی تسلیم نشده، بدینقرار که نسخ فرم‌های GTR یا بلیط هوایپما تسلیم نگردیده تا وجود قراردادی را با ایالات متحده ثابت نماید، انکار می‌کند. از طرف دیگر، خواهان به کفایت مدارک خود استناد می‌نماید. نظر دیوان این است که برای اثبات اینکه ایالات متحده یک دین قراردادی دارد، لازم است که نسخه‌ای از بلیط هوایپما و GTR ، یا در صورت موجود نبودن مدارک مزبور، مدرکی مانند فرم ۱۱۷۱ که نشان دهنده صدور یک فرم GTR باشد، صورتحسابهای خواهان

را تایید نماید. کلیه دعاوی مربوط به صورتحسابها در این پرونده، واجد این ضابطه است.

۲۱ - دیوان ملاحظه می‌کند که تنها دفاعی که در مورد صورتحسابهای شماره ۱۵۶۶۳۹ و ۱۵۶۶۳۲ به عمل آمده، آن است که نسخه اصلی GTR ضمیمه صورتحسابها نبوده است.^(۵) نظر به آنکه خواهان هم نسخ GTR و هم نسخ بلیط صادره برای مسافر را تسلیم نموده، دیوان مقرر می‌دارد که خوانده مسئول است که بابت این دو صورتحساب کلا "۱۶/۳، ۲۷۹" دلار پرداخت نماید.

ب - موضوعات خاص

۲۲ - علاوه بر دفاعیات کلی که در بالا مورد بررسی قرار گرفت، خوانده به دلایل مختلف، خود را بابت بقیه صورتحسابها بدھکار نمی‌داند. دیوان از لحاظ سهولت کار و به منظور تسهیل در امر تصمیم‌گیری خود، صورتحسابها را به گروههای ذیل تقسیم کرده است: (۱) صورتحسابهایی که خوانده خود را بابت قسمتی از آنها بدھکار می‌داند، و (۲) صورتحسابهایی که فقط با فرم ۱۱۷۱ تائید شده است.

(۵) دیوان ملاحظه می‌کند که خوانده دفاع دیگری را در رابطه با هزینه خدمات به دینار بحرینی، در جلسه استماع مسترد نمود.

۱ - صورتحسابهایی که خوانده خود را بابت قسمتی از آنها بدھکار می داند

جدول ۱

شماره صورتحساب	تاریخ	مبلغ مورد ادعای به دلار امریکا)
۱۴۵۲۲۳	۴ مارس ۱۹۷۸	۱،۱۵۴/۲۸
۱۴۵۲۲۴	۱۸ ژانویه ۱۹۷۸	۱،۱۵۴/۲۸
۱۵۴۷۱۸	۲۲ اکتبر ۱۹۷۹	۱،۸۸۰/۸۳
۱۵۶۷۳۷	۲۹ ژانویه ۱۹۸۰	۲،۷۸۵/۷۸
<hr/> جمع <hr/>		۶،۹۷۵/۱۷ دلار

۲۳ - در رابطه با این صورتحسابها، خوانده به این دلیل که فقط موظف به پرداخت حداقل کرایه مربوط به شرکت هواپیمایی است و ارقام مندرج در صورتحسابهای مذکور بیش از حداقل کرایه بابت خدمات درخواستی است، قسمتی از بدھی را که جمعاً "مبلغ ۲،۹۰۳/۸۵ دلار است" می پذیرد. ولی، خوانده هیچگونه مدرک یا استدلالی در مورد نحوه احتساب مبالغ کرایه مورد قبول خود به دیوان ارائه نداده است. بعلاوه، دیوان ملاحظه می کند که در تعداد زیادی از فرمهای GTR همان ارقامی برای کرایه درج گردیده که در بلیط و صورتحساب ذکر شده است. در این شرایط نظر دیوان این است که خوانده بابت کلیه صورتحسابهای مندرج در جدول ۱ جمعاً "مبلغ ۶،۹۷۵/۱۷ دلار امریکا" به خواهان بدھکار است.

۲ - صورتحسابهایی که دارای مدرک تائیدیه (فرم ۱۱۷۱ ایالات متحده) غیر از نسخه‌ای از GTR هستند

جدول ۲

شماره صورتحساب	تاریخ	مبلغ مورد ادعا (به دلار امریکا)
۱۱۷۶۵۵	۱۹۷۴ مه ۱۱	۲۹۵/۷۵ (الف)
۱۲۷۲۵۶	۱۹۷۵ فوریه ۹	۳۶۱/۸۷ (الف)
۱۳۴۱۱۵	۱۹۷۵ ژوئیه ۲۰	۴۴۲/۳۰
۱۱۴۷۹۶	۱۹۷۶ ژانویه ۲۸	۴۲۸/۷۰
۱۱۴۷۹۵	۱۹۷۶ ژانویه ۲۸	۱۰۰۲۹/۶۵
جمع		۲،۵۵۸/۲۷ دلار

(الف) کسر پرداختی که به نرخ هر دلار برابر ۷۰/۶۰ ریال، از ریال به دلار تبدیل شده است.

۲۴ - در مورد صورتحسابهای شماره ۱۱۷۶۵۵ و ۱۲۷۲۵۶، دیوان ملاحظه می کند که ادعاهای مربوط به این صورتحسابها به کسر پرداختی خوانده ارتباط دارد (صورتحساب شماره ۱۱۷۶۵۵ بابت شش فقره GTR جمعاً به مبلغ ۱،۱۸۴/۰۲ دلار امریکا و صورتحساب شماره ۱۲۷۲۵۶ بابت هفده فقره GTR جمعاً به مبلغ ۴،۹۱۷/۸۹ دلار امریکا صادر شده است). هیچ نسخه‌ای از GTR یا بلیط‌های صادره در دست نیست تا بدانوسیله دیوان بتواند تعیین نماید که خوانده کدامیک از اقلام مندرج در صورتحساب را پرداخته و کدامیک را پرداخت نکرده است. بعلاوه، دیوان ملاحظه می کند که یک برگ حسابرسی خوانده ضمیمه صورتحساب شماره ۱۱۷۶۵۵ بوده که او ایرادات خود نسبت به برخی از اقلام مطالبه شده در این صورتحساب را به تفصیل ذکر کرده است. خواهان در پاسخ به این ایرادات، که در موقع صدور

صورتحساب به عمل آمده، با توضیح این که چرا با این حال خود را به دریافت وجه صورتحساب ذیحق می‌داند، هیچگونه اطلاعاتی در اختیار [دیوان] قرار نداده است. دیوان، به دلایل فوق، ادعاهای مبتنی بر صورتحسابهای شماره ۱۱۷۶۵۵ و ۱۲۷۲۵۶ را رد می‌کند.

۲۵ - استدلال خوانده درباره بقیه صورتحسابها آنستکه این صورتحسابها باید به دلیل فقد مدارک موید کافی، رد شوند. دیوان ملاحظه می‌کند که خواهان در تایید این صورتحسابها نسخه‌ای از فرم ۱۱۷۱ ایالات متحده (سنده دولتی برای حمل مسافر) یا فرم الف ۱۱۷۱ (نسخه کپیه) را که با شماره GTR مندرج در هر یک از صورتحسابهای ایران ایر تطبیق می‌کند، تسلیم کرده است. همانطور که در بند الف - ۳ بخش [سوم] بالا ذکر گردید، و علیرغم فقدان نسخه‌ای از GTR یا بلیط ایران ایر که شماره GTR مربوطه را نشان دهد، دیوان نتیجه می‌گیرد که تسلیم نسخه‌ای از فرم ۱۱۷۱ که بر صدور GTR گواهی می‌دهد، برای اثبات ادعاهای مربوط به صورتحسابهای فوق کافی می‌باشد. دیوان ملاحظه می‌نماید که هیچیک از دفاعیات دیگری که خوانده در مورد صورتحسابهای مذکور عنوان کرده، پذیرفته نشده است.

۲۶ - براین اساس، نظر دیوان این است که خوانده مبلغ ۱،۹۰۰/۶۵ دلار امریکا که جمع کل بقیه صورتحسابهای مندرج در جدول ۲ بالا می‌باشد، به خواهان بدھکار است.

ج - خلاصه

۲۷ - دیوان ملاحظه می‌کند که خواهان خدمات مزبور را برای نیروی دریایی ایالات متحده تامین کرده است. مبلغ بدھی در حکم حاضر، مبتنی بر صورتحسابهای زیر است:

نیروی دریایی ایالات متحده

شماره صورتحساب	تاریخ	مبلغ حکم (به دلار آمریکا)
۱۳۴۱۱۵	۲۰ ژوئیه ۱۹۷۵	۴۴۲/۳۰
۱۱۴۷۹۵	۲۸ ژانویه ۱۹۷۶	۱۰۰۲۹/۶۵
۱۱۴۷۹۶	۲۸ ژانویه ۱۹۷۶	۴۲۸/۷۰
۱۴۵۲۲۴	۱۸ ژانویه ۱۹۷۸	۱،۱۵۴/۲۸
۱۴۵۲۲۳	۴ مارس ۱۹۷۸	۱،۱۵۴/۲۸
۱۵۶۶۳۲	۲۴ آوریل ۱۹۷۹	۲،۹۵۷/۴۱
۱۵۶۶۳۹	۱۰ مه ۱۹۷۹	۳۲۱/۷۵
۱۵۴۷۱۸	۲۲ اکتبر ۱۹۷۹	۱،۸۸۰/۸۳
۱۵۶۷۳۷	۲۹ ژانویه ۱۹۸۰	۲،۷۸۵/۷۸
جمع		۱۲،۱۵۴/۹۸ دلار

پنجم - بیروت

۲۸ - به منظور جبران کامل خسارت خواهان بدلیل تأخیر [خوانده] در پرداخت مبالغی که مورد دین تشخیص داده شده است، دیوان مقرر می‌دارد که خوانده بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از سی روز پس از تاریخ هر صورتحساب لغایت تاریخ پرداخت [مبلغ حکم]، به خواهان پردازد.

ششم - هزینه‌ها

۲۹ - هریک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

هفتم - حکم

۳۰ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند :

(الف) خوانده، دولت ایالات متحده امریکا ملزم است مبلغ دوازده هزار و یکصد و پنجاه و چهار دلار و نود و هشت سنت امریکا (۱۲،۱۵۴/۹۸ دلار امریکا) به علاوه بیهوده ساده آن به نرخ ۱۰ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) که از ۳۰ روز بعد از تاریخ هر صورتحساب لغایت تاریخ پرداخت [مبلغ حکم] به خواهان محاسبه می‌شود، به خواهان، شرکت هواپیمایی ملی ایران، بپردازد.

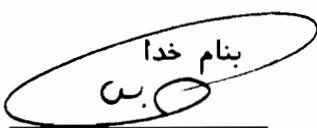
(ب) هریک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

(ج) کلیه ادعاهای دیگر ناشی از این پرونده رد می‌شوند.

لاهه، به تاریخ ۰۹.۹.آذر ماه ۱۳۶۶ نوامبر ۱۹۸۷ برابر با



روبرت بریلی
رئیس شعبه دو



بنام خدا
حسید بهرامی احمدی

حمسی
موافق با قسمتی، مخالف با
قسمتی دیگر، درمورد تعاوی
رسمی بنظریه اینجا نسب در آراء
مربوط به پرونده‌های ب ۲،
ب ۱۳، ب ۱۸ و ب ۲۰ مراجعت
شود.



جرج ا. آلدربیچ